



رژرا حسینی

دور سوم مسابقات دوومیدانی پرشین با شرکت ۲۰۰ پسر و حدود ۱۵۰ دختر از محلات کم برخوردار و کودکان کار برگزار شد

قهرمانان خیابان

باشگاه با بچه‌های زیر ۱۸ سال کار می‌کند و استانداردهایی تعریف شده که برای شروع فعالیت باید از زرده‌های نونهالان، خردسالان شروع کنند و در عین حال باید پروسه مددکاری انجام گیرد تا بتواند روی آینده‌شان تأثیر بگذارد. «رشته بعد از فوتبال که ایونت محور است دوومیدانی است. دلیل اصلی اش این است که این رشته جزو رشته‌های پایه ورزشی و امکان اجرا به وسیله خود بچه‌ها فراهم است و نیاز به امکانات خاصی هم ندارد. از سوی دیگر خیلی از بچه‌ها نان آور خانه‌اند و زمان زیادی از روز را در خیابان می‌گذرانند و برای همین هم با دویدن بسیار آشنا هستند. سعی کردیم این دویدن را وارد فاز جدی و برای بچه‌ها انگیزه ایجاد کنیم.» شفاخواه هم‌زمان که بچه‌ها راه‌یادیت می‌کند با چند نفری از آنها صحبت می‌کند. بعضی‌ها می‌خواهند از هم در مسابقه شرکت کنند و تعدادی می‌گویند آهنگ‌های شاد تر بگذارید و شفاخواه در میان دختران نشسته روی نیمکت به چند نفری اشاره می‌کند و می‌گوید هدف مان کشف استعداد همین دخترهاست. بچه‌های با استعداد فراوانی داریم که کورده‌هایشان بی نظیر و هدف‌گذار است و استعدادیابی تا الگوسازی و در نهایت گام گذاشتن در آینده سالم است. «تصمیم ما این است که این تیم‌ها در فضای رسمی تر حاضر شوند و می‌خواهیم خودمان را به عنوان تیمی رسمی نشان دهیم و در سطح بین الملل هم حاضر شویم.»

دنیا زیر گام‌های دختران حرکت می‌کند و همین هم دلیلی است که ورزش مکمل مددکاری باشد و حتی بر فاز مددکاری هم بچرید. «جنس مشکلات و دغدغه‌های دختران و پسران فرق دارد. سعی داریم با ترویج این مناسبت‌ها جلوی محدودیت‌های تحصیلی بایستیم و دختران را به باورپذیری برسانیم.» تیم‌های بسیاری از شهرهای مختلف نیامده‌اند. شهرهایی که مناطق محروم فراوان دارند اما به گفته شفاخواه قواعد و استانداردهای لازم را رعایت نکردند و در نتیجه نتوانسته‌اند در این مسابقات حاضر شوند. «یک سری قواعد و استاندارد داریم که مسابقات خوب باشد و می‌خواهیم توجه قدراسیون را جلب کنیم. شهرهایی که حاضر نیستند معمولاً این قواعد را رعایت نکرده‌اند یا در حوزه دختران خیلی جدی نبوده‌اند؛ مثلاً بلوا جوستان در مسابقات پسران حاضر است اما در دختران تیمی ندارد چون در این سال‌ها خوب کار نکرده و حضور نیافتن شان در این مسابقات باعث می‌شود کمی به خود بیایند و برای سال‌های بعد تلاش کنند تا به استانداردها برسند.»

او می‌گوید عده بسیاری در این راه پشتیبان بوده‌اند و کمک کرده‌اند اما همچنان مشکلات زیاد است؛ «بچه‌های با استعداد در میان آنها زیاد است اما خانواده بسیاری از آنها اجازه‌دهند تا بیایند. گفتند باید کار کنند؛ آخر سال است.»

نامی از شهری شنیده که برایش خیلی دور است؛ «دوست دارم افغانستان را ببینم. برای پلیس شدن هم خیلی از معلم‌ها و مدیران مدرسه پریس و جو کردم همه گفتند نمی‌شود.» در ملک آباد بچه‌ها فقط امکان انتخاب رشته‌های تجربی، انسانی، خیاطی و حسابداری را داشتند و آرزوهای حسابداری را انتخاب کرد؛ «فقط درس می‌خونم. کار نمی‌کنم.»

آمده از کرمانشاه و اهواز برای قهرمان شدن

دختران کرمانشاه گوشه سالن ورزشی نشسته‌اند و به کردی چیزی به هم می‌گویند، می‌خندند و صدایشان گوشه سالن را پر می‌کند. آنها از جعفر آباد کرمانشاه آمده‌اند. زهره روسری گلدارش را جابه‌جا می‌کند و می‌گوید تمام راه را از کرمانشاه تا اینجا خندیده‌اند و حالا خوشحالتند که تهرانند؛ «با بچه‌های کار، زیاد داریم اما معمولاً کار کشاورزی انجام می‌دهند. من کار نمی‌کنم.» اهوازی‌ها نگاه‌شان به آنهاست. ۱۶ دختری که از اهواز به تهران آمده‌اند از کوی مندل و عین دو هستند. سیما عرق پیشانی اش را پاک می‌کند و همان‌طور که زمین مسابقه را ترک می‌کند، می‌گوید: «ما عرییم. من خیاطی می‌کنم.» کلاس ششم است و خلاف فائزه، همشهری و هم‌سنش اهواز را دوست دارد. هوای گرمش را خانه‌های درهم و کوچ‌های تنگش را. «آرایشگری هم یاد گرفتم. در خانه ایرانی آرایشگری بلد شدم.»

دخترها در سالن می‌چرخند و مهدی شفاخواه، عضو کمیته ورزش جمعیت امام علی (ع) که از مسئولان برگزاری مسابقات است، به آنها می‌گوید روی تشک بنیزند. شفاخواه برایشان «عمومی» است که می‌توانند کاستی‌ها را به او بگویند و او هم آرام‌شان کند. او حلالی می‌گوید باشگاه پرشین در این سال‌ها که فعالیتش را در محلات کم‌برخوردار و دورافتاده شروع کرده می‌خواهد الگوی ورزشی برایشان تعریف کند تا زندگی از سختی‌های حاشیه کم‌شود. «الگوهای حاشیه همواره الگوهای سختی برای بچه‌هاست. از دیدن فقر و اعتیاد و زودخورد تا مضامین اجتماعی دیگر. در نتیجه لازم است فضای زندگی بچه‌ها تغییر کند؛ مخصوصاً برای دختران.» دور سوم مسابقات دوومیدانی پرشین ۲۰۰ پسر و حدود ۱۵۰ دختر را به سالن آورده و برنامه در دو روز برگزار شده تا هم حال و هوای بچه‌ها برای دو روز عوض شود و هم بتوانند به لیلیگ شدن مسابقات کمک کنند.

«در این دوره ماده ۶ متر، ۱۵۰ متر، ۸۰۰ متر و ۴۰۰ متر داشتیم. همچنین دوامدادی، پرش و پرتاب وزنه هم بود و سعی کردیم در باشگاه ورزشی پرشین با توجه به علاقه مندی بچه‌ها حرکت کنیم. اولین ورزش فوتبال بود و گستردگی اش هم بیشتر شد و تابستان گذشته پنجمین دوره بود و حالا دوومیدانی.»

فروغ فکری دخترها، صدایشان را در سالن رها کرده‌اند. خنده‌هایی محابا در صورت‌ها می‌شکند و دست‌ها با اشتیاق و به نشانه تشویق روی سر می‌روند. سالن ورزشی «آفتاب انقلاب» پر از دخترانی است که امروزشان در خیابان و پشت چراغ قرمز یا نشسته پشت چراغ خیاطی نگذشته است. ۱۵۰ دختر از محلات کم‌برخوردار تهران، قم، اهواز، کرمانشاه و... به سالن ورزشی آمده‌اند تا در سومین دوره مسابقات دوومیدانی پرشین جمعیت امام علی (ع) شرکت کنند و دوروزشان را به جای دویدن در خیابان و مترو و فروختن فال و دود کردن اسپند، در ورزشگاه بگذرانند. بچه‌های شهرری لباس قرمز پوشیده‌اند. دختران خاک سفید لباس شان، سرمه‌ای است و پاک‌دستی‌ها با سبزی فسفری کنار زمین نشسته‌اند. سوت آغاز مسابقه را می‌زند و دختران نشسته روی سکواز جامی پرند و فریاد می‌زنند؛ «یک دو و سه و چهار؛ تیم ما می‌بره ای ولا». اسم شرکت‌کنندگان خوانده می‌شود، دخترها پشت خط می‌ایستند. فینال دوی ۶۰ متر است. دوستان شان را روی زمین محکم می‌کنند و آماده حرکت می‌شوند. سوت مسابقه زده می‌شود و پرچم سفید بالا می‌آید. هشت دختر همه توان‌شان را در پاهایشان می‌ریزند و سالن زیر پاهایشان تمام می‌شود. مریم، جسم لاغرش را تکان می‌دهد و چشمش به دختری است هم‌سن و سال خودش. دختر ۹ ساله‌ای که نفسش را در سینه برای بُرد حبس کرده است؛ «من دیر به مدرسه رفتم. بابام نمی‌داشت. الان کلاس اولم.» چشمش از زمین مسابقه برداشته نمی‌شود. او هم دویده. همه روزهای گذشته و همه ماه‌های قبل را پشت ماشین‌های مانده در چراغ قرمز که برایشان اسپند دود کرده و آنها برای دادن پول او را به آن سوی چراغ حواله داده‌اند و حالا اینجا است. در زمینی که برای دویدن است، «فقط شنبه‌ها میرم مدرسه. بابام بیکاره. مامانم هم باید بچه‌های دیگه رونگه داره. دوبرادر و یک خواهر کوچک‌تر از خودم دارم. فقط من کار می‌کنم و روزی ۵۰ هزار تومن در میارم.» اسمش را مادر بزرگش مریم گذاشته. آنها از بلوچ‌های مهاجرند و حالا در قلعه‌گیری شهری زندگی می‌کنند.

قلعه‌گیری در جنوب شرقی شهری و در شهرک علائین است. از قلعه‌های قدیم شهر که قدمتش به ۲۰۰۰ سال قبل و زمان ساسانیان می‌رسد. قلعه و اطرافش حالا از محله‌های حاشیه‌ای شهرند. جایی که کسانو ۱۵۰ دختر دیگر حاضر در آن خانه دارند.

مدینه قلب بزرگی دارد

شماره ۳۵۴، روی بلوز قرمز مدینه سنجاق شده. مربی دستان کوچکش را می‌گیرد و همان‌طور که زیر لب و به آرامی توصیه‌هایی در گوشش می‌کند، می‌گوید؛ این دختر از پدیده‌های این دوره از مسابقات است که توانسته در دوی ۸۰۰ متر؛ چهار دور زمین را بدود و رکوردش را رکورد بچه‌های ۱۸ ساله حساب شود. لیلیا چند ماه دیگر، ۸ ساله می‌شود. چهار برادر دارد و در مترو فال می‌فروشد؛ «کلاس چهارم. تومرو درس می‌خونم. هر زمان که وقت شد.» او و خواهر بزرگ‌ترش تنها کار می‌کنند اما برادر و خواهر کوچک‌ترش با مادرش در مترو جنس می‌فروشند.

ظریف‌تر از دختران ۱۰ ساله دیگر است اما مربی اش که هفته‌ای یک‌بار به او و دختران دیگر ورزش می‌دهد، می‌گوید قلبش بزرگ است، مثل یک دختر ۱۸ ساله. «تست‌های لازم را انجام دادیم تا آسیب نبیند. خیلی خوب می‌دود. استعداد عجیبی دارد.» دختران دیگر دورش را گرفته‌اند و مدینه برایشان دوستی است با پاهای طلائی که می‌دود و آنها از خوب دویدنش ذوق زده می‌شوند. مثل زهره که بعد از هر کلام مربی سعی می‌کند آن را تصحیح کند و تعریف جذاب‌تری برای دوستش داشته‌باشد؛ «هنوز ۹ سالش هم نشده.» زهره اکل ورزش را پشت چراغ خیاطی می‌نشیند. کلاس سوم دبستان است و درس برایش تکه‌ای از زندگی است که کم‌کم می‌شود و با سختی با دیدیادیش کند. مثل نخ‌هایی که هر روز به سختی در سوزن می‌کند و پارچه‌هایی که کیف و شلوار و دامن می‌شوند.

نسیم بادوین بال درمی‌آورد

نسیم چندباری صدایش را صاف می‌کند تا بگوید هر بار که می‌دود، انگار دوبال پشتش درمی‌آورد. بال‌ها از زمین بلندش می‌کنند و او هر بار که می‌دود، فکر می‌کند پاهایش روی زمین نیست. بعد هم دیگر به چیزی فکر نمی‌کند جز خط پایان. ۳۰ سالگی اش تازه شروع شده و در صدای سوت و جیغ دختران در گوش دوستش و با صدای بلند می‌گوید تو چه حسی داری موقع دویدن؟ مریم می‌گوید دویدن برایش قبلاً جذاب نبوده و برایش فرقی نداشته که بدود. «بعدها موقع دویدن چشمانم دنیا را جور دیگری می‌دید. حالا برام مهم نیست بپریم یا بیازیم. اگر زمین بخورم، باید با قدرت بیشتری بلند شوم.» آنها کلاس هفتمی هستند. درس می‌خوانند و تابستان‌ها در زمین‌های پاک‌دشت به کمک خانواده‌شان می‌روند که کارگر زمین‌های کشاورزی‌اند. نسیم همچنان که با مریم صحبت می‌کند، می‌گوید چندسالی است که داستان می‌نویسد و چند شعری هم نوشته اما هیچ‌کدام را برای هیچ‌کس نخوانده است؛ «دوست دارم نویسنده شم. یعنی میشه؟» او باید در مسابقه «دوی امدادی» که آخرین مسابقه روز است، شرکت کند. پاهایش را دراز می‌کند و دوباره با خنده می‌گوید؛ «موقع دویدن فقط به خط پایان فکر می‌کنم.»

مهتاب، چند صدلی از طرف‌تر نشسته و با آرامش عجیبی به سالن نگاه می‌کند. به دخترانی که در سالن می‌دوند و آنها که هنوز و بعد از چند ساعت ماندن در سالن ورزشی اینجا برایشان تازگی دارد. او در سه سال گذشته هم در این مسابقات شرکت کرده و هر سال در سالن‌های مختلف دویده. مادرش اهل مشهد و پدرش اهل هرات است. خودش در ملک‌آباد شهری به دنیا آمده و ۱۶ سال گذشته را همانجا گذرانده. «عاشق دویدن بودم. خانواده‌ام علاقه‌ام را دیدند اما دست و پالشان خالی بود و نمی‌توانستند برام کاری کنند، تا اینکه یکی از دوستانم جمعیت امام علی (ع) را به ما معرفی کرد و با کمک آنها توانستم به اینجا بیایم.» دویدن برایش قوت قلب است و می‌گوید با آنکه قلبش چند ماهی است مشکل پیدا کرده نمی‌تواند از دویدن دست بکشد. دکتر گفته باید دویدن را کنار بگذارد. با هر بار دویدن تپش قلبش بالا می‌رود و قفسه سینه‌اش درد می‌گیرد (اما دویدن قوت قلبم است، نمی‌توانم رهایش کنم). او همان قدر که عاشق دویدن است، عاشق پلیس شدن هم بوده اما گفتند نمی‌تواند در ایران پلیس شود و اگر می‌خواهد پلیس باشد باید به افغانستان برود. او تا به حال هرات را ندیده و فقط گاهی در میان خاطرات پدرش

۱۱

رشته بعد از فوتبال که ایونت محور است دوومیدانی است. دلیل اصلی اش این است که این رشته جزو رشته‌های پایه ورزشی و امکان اجرا به وسیله خود بچه‌ها فراهم است و نیاز به امکانات خاصی هم ندارد. از سوی دیگر خیلی از بچه‌ها نان آور خانه‌اند و زمان زیادی از روز را در خیابان می‌گذرانند و برای همین هم با دویدن بسیار آشنا هستند. سعی کردیم این دویدن را وارد فاز جدی و برای بچه‌ها انگیزه ایجاد کنیم

ادامه از صفحه اول

شفاف‌سازی کنید

اگر خلاف قانون است، کدام قانون چنین معنی را مقرر کرده است؟ اگر خلاف شرع است، به استناد کدام منطق و مستند شرعی چنین حکمی داده می‌شود؟ چه فرقی میان معاون وزیر و وزیر وجود دارد؟ از اینها گذشته چگونه می‌توان میلیون‌ها زن تحصیل‌کرده را از چنین حقی محروم کرد؟ چگونه می‌توان در دنیای جدید از جایگاه زن سخن گفت و در عین حال این حداقل‌ها را از آنان دریغ داشت. در مورد منع حضور زنان در ورزشگاه‌ها نیز شاهد این رفتار بودیم، ولی حداقل در آنجا معلوم بود که چه کسانی و به چه دلیلی مخالف حضور هستند، هر چند مخالفت آنان قانونی نبود، ولی در این مورد حتی چنین ایرادی نیز روشن نیست. به نظر می‌رسد آقای رئیس جمهوری می‌توانستند این مسأله را صریح‌تر بیان کنند. اگر نتوانیم تا این حد از مسائل را که به حقوق عمومی مربوط می‌شود، شفاف و روشن طرح کنیم، دیگر چه جایی برای سایر مباحث باقی خواهد ماند؟ این نگاه حذفی بیش از آنکه معطوف به موضوع قانون یا شرع باشد، نوعی حساسیت اجتماعی افراد معدودی است که تنها راه علاج آن طرح عمومی و گفت‌وگو و گرد آید آن است. □

جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی
جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی

ثبت آگهی
در روزنامه شهروند
۰۲۰۰۹۶۴۴۹

نوبت دوم

آگهی مزایده اجاره شماره سه (۳)

جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی در نظر دارد اجاره ساختمان شماره ۱ جمعیت هلال احمر شهرستان آذرشهر به متراژ ۶۰۰ متر مربع در دو طبقه به آدرس آذرشهر خیابان امام روبروی بانک کوثر ساختمان قدیم هلال احمر آذرشهر جهت استفاده به عنوان فضای آموزشی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (Setadiran.ir) و با شماره مزایده ۰۳۰۰۰۰۹۰۰۶۰۰۹۸۰۵۰۰ بصورت الکترونیکی واگذار نماید.

زمان انتشار در سایت: روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۲۴ ساعت ۸ مهلت دریافت اسناد مزایده: روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۱۲/۱ مهلت دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود تاریخ بازدید: از تاریخ ۹۸/۱۲/۱ لغایت ۹۸/۱۲/۷)

آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: روز چهارشنبه ۹۸/۱۲/۷ ساعت: ۱۴:۳۰

زمان بازگشایی: روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۱۲/۸ ساعت ۱۰

زمان اعلان برنده: روز شنبه مورخ ۹۸/۱۲/۱۰ ساعت ۱۰

شرایط عمومی و توضیحات برگزاری مزایده دستگاه اجرایی

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی است:

۱- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرایند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه) پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه) ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق پذیر می‌باشد

۲- کلیه اطلاعات موارد اجاره شامل مشخصات شرایط و نحوه اجاره در برد اعلان عمومی سامانه مزایده قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد

۳- علاقمندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند.

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه ۰۲۱۴۱۹۳۴

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام استانها در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام پوروفایل مزایده گر" موجود است

جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی